



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۲ / شماره ۲ (پیاپی ۴۶) / تابستان ۱۴۰۲
صفحه ۲۰۳ تا ۲۲۴

تأثیر ارائه الگوی انجام یافته صورت های مالی بر قضاوت و تصمیم سرمایه گذاران در مقایسه با الگوی ارائه پیشنهادی سازمان بورس و اوراق بهادار و سازمان حسابرسی با استفاده از رویکرد شبه آزمایشی

صابر شعری آناقیز

دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)
accountingsheri@yahoo.com

محمد حسن ابراهیمی سرو علیا

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
m.h.ebrahimi@at.ac.ir

قاسم بولو

دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی
ghblue20@yahoo.com

وحید افتخاری

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی
vahid.eftekhari.90@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۹

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر تغییر الگوی صورت‌های مالی بر قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران با استفاده از رویکرد شبه آزمایشی است. فرضیه‌های پژوهش بر مبنای نظریه بار شناختی^۱ تدوین شده است و چنین انتظار می‌رود که تغییر الگوی ارائه اطلاعات صورت‌های مالی از طریق کاهش تلاش شناختی بتواند بر قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد. برای بررسی این موضوع الگوی ارائه اطلاعات صورتهای مالی بر مبنای مطالعه مشترک دو هیأت استاندارد‌های حسابداری بین‌المللی و هیأت استاندارد‌های حسابداری مالی آمریکا در سطح سه صورت مالی اساسی تغییر نموده و نحوه پاسخ شرکت کنندگان به سوالات تحقیق بر اساس صورت‌های مالی جدید ارائه شده توسط سازمان بورس و اوراق و سازمان حسابرسی با الگوی پیشنهادی این دو هیأت مقایسه شده است. آزمون شونده‌گان شامل افرادی هستند که دارای تجربه حسابداری و مالی بوده و حداقل دارای مدرک لیسانس حسابداری یا گرایش‌های مختلف مدیریت بوده‌اند بر همین اساس ۹۲ نفر به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شده است.

¹ Cognitive Load Theory

با توجه به عدم نرمال بودن داده‌های پژوهش از آزمون ناپارامتریک من ویتنی^۱ استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که الگوی انسجام یافته صورت‌های مالی بر قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران از طریق کاهش تلاش شناختی تأثیر گذار بوده است.

واژه‌های کلیدی: قضاوت و تصمیم‌گیری، تلاش شناختی، الگوی انسجام یافته صورت‌های مالی.

۱- مقدمه

گسترش روزافزون بازارهای اوراق بهادار و جدایی مدیریت از مالکیت باعث گردید که گروه‌های مختلف درگیر در بازار به صورت‌های مالی منتشرشده شرکت‌ها به عنوان یک ابزار اطلاعاتی مهم بنگرند به طوری که براساس این اطلاعات سرمایه‌گذاران تصمیم می‌گیرند که آیا سهام یک شرکت را بخرند، بفروشند یا نگهداری نمایند، تحلیل گران به این موضوع می‌پردازند که سود شرکت در آینده چگونه خواهد بود، مدیران به این موضوع می‌پردازند که باید افشاهای اختیاری چگونه باشد، حساب‌رسان تصمیم می‌گیرند که آیا باید یک اظهار نظر مشروط نسبت به صورت‌های مالی ارائه گردد یا خیر و نهایتاً تدوین‌کنندگان استاندارد تصمیم می‌گیرند که الزامات ارائه اطلاعات باید چگونه باشد؛ بنابراین به صورت خودکار هر موضوعی که با صورت‌های مالی در ارتباط است با بحث قضاوت و تصمیم نیز در ارتباط می‌باشد.

از سوی دیگر بحث تصمیم‌گیری یک فرآیند شناختی است که منجر به انتخاب از میان یک مجموعه از گزینه‌ها می‌شود. لیبی و لیوز^۲ (۱۹۷۷) معتقدند که فرآیند تصمیم‌گیری شامل سه گام ورود اطلاعات، پردازش اطلاعات و نهایتاً نتیجه‌گیری از این اطلاعات می‌باشد. از آنجا که فرآیند تصمیم‌گیری به ماهیت و محتوای اطلاعات و همچنین نحوه ارائه اطلاعات بستگی دارد، همواره این نگرانی وجود دارد که تصمیم‌گیرندگان با توجه به محدودیت انسان در پردازش اطلاعات قادر به تحلیل اطلاعات نباشند.

با توجه به محدودیت انسان در پردازش اطلاعات تئوریسین‌های اقتصادی و روانشناسی به بررسی تأثیر اطلاعات بر قضاوت و تصمیم افراد پرداخته‌اند. بر همین مبنا اغلب اقتصاددانان برای توضیح رفتار افراد در مواجهه با نحوه ارائه‌های مختلف از تئوری علامت‌دهی^۳ استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر تفاوت در جایگاه و توصیف اطلاعات ممکن است یک سیگنال را به تصمیم‌گیرندگان در ارتباط با اهمیت این اطلاعات مخابره نماید، در تحقیقات حسابداری افشا در متن یا یادداشت صورت‌های مالی در حیطه این تیوری قرار می‌گیرد. از سوی دیگر برخلاف تیوری‌های اقتصادی که باید اطلاعات دارای محتوای اطلاعاتی باشند، در تیوری‌های روان‌شناسی اگر اطلاعات هیچ ارزش افزوده‌ای نیز از لحاظ محتوای اطلاعاتی نداشته باشند بازهم نحوه ارائه می‌تواند از طریق سهولت در پردازش اطلاعات و تأثیر بر فرایند تلاش شناختی بر قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد. بر همین اساس

^۱ Mann-Whitney test

^۲ Libby & Lewis

^۳ Signaling Theory

روانشناسان به بررسی فرآیند قضاوت و تصمیم‌گیری پرداخته‌اند که در این حوزه نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه بار شناختی، تئوری برتین^۱، تئوری تناسب شناختی^۲، تئوری هزینه و منفعت^۳ مطرح شده است که اغلب این تئوری‌ها به اهمیت نحوه ارائه اطلاعات در کاهش تلاش شناختی اشاره نموده‌اند.

در حوزه اقتصادی نیز شاخه مالی رفتاری^۴، به عنوان یکی از شاخه‌های نوین علوم مالی، مفروضات منطقی مذکور را با بنیان‌های رفتاری قابل استنادتری جایگزین می‌نماید. از منظر مالی رفتاری، هر سه فرض بنیادی (عقلانیت نامحدود، نیروی اراده نامحدود، نفع شخصی بی پایان) در مورد رفتار انسان اقتصادی با چالش رو به رو است. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که انسان‌ها در مواجهه با رویدادهای مختلف همواره به صورت عقلایی تصمیم‌گیری نمی‌کنند و رفتار آن‌ها دارای سوبیه‌های رفتاری مختلفی است. بر مبنای تحقیقات صورت گرفته در این حوزه سرمایه‌گذاران بر مبنای دانش و تجربه‌ی خود به دنبال یک سری از اطلاعات خاص بوده و به کل اطلاعات صورت‌های مالی توجه نمی‌نمایند. از سوی دیگر، مدیران شرکت به‌عنوان تهیه‌کنندگان این اطلاعات از این موضوع آگاه می‌باشند؛ بنابراین این احتمال وجود دارد که آن‌ها نیز از طریق نحوه‌ی ارائه اطلاعات بر تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارند. از این رو تدوین‌کنندگان استاندارد با علم به این موارد سعی نموده‌اند با ملزم کردن شرکت‌ها به ارائه صورت‌های مالی در مقاطع مختلف زمانی، جهت حمایت از سرمایه‌گذاران تدبیری بیندیشند، اما باگذشت زمان و انجام تحقیقات توسط محققان مختلف مشخص گردید که در حال حاضر صورت‌های مالی تصویر منسجم و کاملی از عملکرد یک شرکت را به نمایش نمی‌گذارند (کمیته مشورتی فنی، ۲۰۰۹ (ITAC)^۵)، ترکیب صورت جریان وجوه نقد با صورت سود و زیان و صورت وضعیت مالی مشکل بوده و گزارشات مالی فعلی به استفاده‌کنندگان در درک هسته اصلی عملیات شرکت و همچنین بررسی عملکرد آن کمک اندکی می‌کنند و به همین دلیل درک این موضوع که چه طور رویدادها در سه صورت مالی اساسی منعکس شده و چگونه این صورت‌های مالی با یکدیگر در ارتباط هستند دشوار می‌باشد (انجمن استفاده‌کنندگان گزارشات شرکتی، ۲۰۰۹). اهمیت این موضوع تا جایی است که از میان پنج پروژه‌ای که در هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (FASB)^۶ تعریف شده، سه پروژه چارچوب نظری، چارچوب افشا و نحوه‌ی ارائه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به موضوع شکل و نحوه‌ی ارائه پرداخته‌اند. از سوی دیگر هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB)^۷ نیز به بررسی این موضوع پرداخته و اعلام داشته است که تمرکز اصلی این هیئت بر روی تدوین چارچوب نظری است و در این چارچوب، نحوه و شکل ارائه اطلاعات مهم‌ترین عامل می‌باشد. همچنین بررسی‌های این هیئت نشان می‌دهد که درک صورت‌های مالی دشوار بوده و از این دشواری گاهی اوقات به اضافه‌بار افشا^۸ تعبیر می‌گردد. در ارتباط با

¹ Bertin's Theory

² Cognitive fit theory

³ Cost-Benefit Theory

⁴ Behavioral Finance

⁵ Technical Advisory Committee

⁶ Corporate Reporting User Forum

⁷ Financial Accounting Standards Board

⁸ International Accounting Standards Board

⁹ Disclosure Overload

این موضوع بسیاری بر این باورند که مشکل، اضافه‌بار اطلاعاتی نیست، بلکه شکست در فیلتر کردن است. بر همین اساس دو هیات استاندارد حسابداری بین‌المللی و هیات استاندارد های حسابداری آمریکا پروژه مشترکی را در ارتباط با الگوی ارائه اطلاعات صورت‌های مالی آغاز نموده و پیش‌نویسی را در ارتباط با الگوی ارائه، پیشنهاد نمودند که در این الگوی ارائه سه صورت‌های اساسی (صورت وضعیت مالی، صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد) به بخش‌های عملیاتی، سرمایه‌گذاری و مالی تفکیک گردیده و از این طریق انسجام میان صورت‌های مالی افزایش یافته است. در این تحقیق سعی شده است تا به بررسی مزایای این صورت‌های مالی پیشنهادی در مقایسه با شکل ارائه جدید پیشنهاد شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهران بر مبنای یک روش شبه آزمایشی پرداخته شود از این رو بررسی تأثیر نحوه ارائه اطلاعات صورت‌های مالی بر قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران هدف اصلی این تحقیق می‌باشد.

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

مسئله‌ی اهمیت صورت‌های مالی بر هیچ شخصی پوشیده نیست. صورت‌های مالی به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی گذشته و آینده یک شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرند. بسیاری از سرمایه‌گذاران فعلی و بالقوه‌ی یک شرکت، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان نمی‌توانند مستقیماً به شرکت‌ها مراجعه نموده و اطلاعات را دریافت نمایند؛ بنابراین آن‌ها از اطلاعات صورت‌های مالی برای نیازهای اطلاعاتی خود استفاده می‌نمایند. همان‌طور که در چارچوب نظری استانداردهای حسابداری بیان شده است، صورت‌های مالی هسته‌ی اصلی تجزیه و تحلیل شرکت‌ها می‌باشد. به‌طوری‌که هدف صورت‌های مالی کمک به سرمایه‌گذاران در برآورد ارزش شرکت بوده نه این‌که صورت‌های مالی ارزش شرکت را نشان دهد.

از این رو در غیاب یک شاخص واضح برای تعیین ارزش شرکت، سرمایه‌گذاران مجبورند بر اطلاعات ارائه‌شده توسط شرکت تمرکز نمایند. از طرفی آن‌ها با طیف گسترده‌ای از اطلاعات روبرو هستند و از طرفی دیگر، موضوع سرمایه‌گذاری کاری بسیار پیچیده می‌باشد. در شرایطی که سرمایه‌گذاران با طیف گسترده‌ای از اطلاعات روبرو هستند، مزایای نحوه‌ی ارائه اطلاعات بسیار افزون خواهد بود. توانایی سرمایه‌گذاران در درک اطلاعات مالی یک رابطه‌ی مستقیم با نحوه‌ی ارائه اطلاعات دارد و به خود اطلاعات مربوط نیست. تحقیقات دانشگاهی نشان می‌دهند که الگوی ارائه اطلاعات اثر اضافه‌بار اطلاعاتی را کاهش داده و همچنین باعث کاهش تلاش شناختی و بهبود راه‌های فکر کردن می‌گردد. اکثر این تحقیقات به بررسی جایگاه ارائه اطلاعات در متن یا یادداشت‌های صورت‌های مالی می‌پردازند. (بلومفیلد و همکاران^۱، ۲۰۱۰، هیویت^۲ ۲۰۰۹)

همان‌طور که اشاره گردید در حال حاضر صورت‌های مالی فعلی در هنگام استفاده نیازمند اصلاحاتی است به طوری که بسیاری از استفاده‌کنندگان برای تصمیم‌گیری خود اقدام به اصلاح الگوی ارائه صورت‌های مالی می‌نمایند، به عبارت دیگر صورت‌های مالی فعلی ابزار ارزیابی مناسبی نیستند. (کلر و همکاران^۳، ۲۰۱۱) از این

¹ Bloom field et al

² Hewitt

³ koller et al

رو نهادهای مختلف استانداردگذار در سال های اخیر به بررسی این موضوع پرداخته اند تا تغییراتی را در نحوه ارائه اطلاعات مالی ایجاد نمایند، هیات استاندارد های حسابداری مالی آمریکا و هیات استاندارد های بین المللی نیز از این امر مستثنا نبودند، این دو هیات پروژه مشترکی را در این ارتباط شروع کردند که یکی از اهداف اصلی این پروژه افزایش ارتباط میان صورت های مالی است از این رو آنها سه صورت مالی اساسی (صورت وضعیت مالی، صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد) را به سه بخش عملیاتی، سرمایه گذاری و مالی تفکیک می نمایند تا از این طریق انسجام میان صورت های مالی افزایش یابد. آنها چنین استدلال می کنند که این تفکیک از دو منظر، افزایش دقت تصمیم و کاهش تلاش شناختی بر کیفیت قضاوت و تصمیم سرمایه گذاران تاثیر خواهد گذاشت. از این رو چنین انتظار می رود که طبقه بندی انسجام یافته صورت های مالی بر فرآیند تحصیل، ارزیابی و وزن دادن به اطلاعات تاثیر بگذارد و از این طریق قضاوت و تصمیم سرمایه گذاران متاثر گردد.

تمایز بخش مالی و عملیاتی و تجزیه و تحلیل سیستماتیک نسبت ها

وجه تمایز قائل شدن میان بخش عملیاتی و مالی ناشی از این اصل است که بخش عملیاتی مربوط به فعالیت هایی است که برای شرکت ارزش افزوده داشته در حالی که بخش مالی این چنین نیست و ناشی از فعالیت های فاقد ارزش افزوده ای است. این تفکیک در کارهای میلر و مودیلیانی^۱ (۱۹۵۸، ۱۹۶۱) نیز مشاهده می شود. استدلال آن ها برای این تمایز این است که ارزش یک شرکت به اجزا و ترکیب ادعاها وابسته نیست. به عبارت دیگر تغییر در ساختار سرمایه میان بدهی ها و حقوق صاحبان سهام ایجاد کننده ارزش نمی باشد و ارزش یک شرکت در واقع از طریق قدرت سودآوری دارایی ها و همچنین سیاست های سرمایه گذاری آن شرکت تعیین می گردد. فلتهم و اولسون^۲ (۱۹۹۵) و نسیم و پنمن^۳ (۲۰۰۱) نیز از جمله افرادی هستند که به تمایز میان بخش عملیاتی و مالی در تحقیقات حسابداری توجه نموده اند. فلتهم و اولسون بر مبنای مدل ارزش گذاری سود باقیمانده اولسون (۱۹۹۵)، سوددهی عملیاتی را از سوددهی مالی متمایز دانسته و بیان نموده اند که ارزش شرکت یک تابعی از ارزش جاری خالص دارایی ها، خالص ارزش دارایی های عملیاتی آتی و بازده خالص دارایی های عملیاتی است. بنابراین آنها استدلال می کنند که ارزش شرکت از طریق خالص بازده دارایی های عملیاتی^۴ (RNOA) تعیین می گردد و فعالیت های مالی، دارای ارزش فعلی صفر بوده و در فرآیند ارزش گذاری اطلاعات نامربوط تلقی می گردند. (اسپلین و همکاران^۵، ۲۰۱۲)

بر مبنای تحقیق بارنز و همکاران^۶ (۲۰۰۸) بررسی نسبت های مالی یک روش سیستماتیک و فشرده برای تحقیق در ارتباط با کیفیت اطلاعات ارائه شده در صورت های مالی است. یکی از روش های متداول برای اندازه

¹ Miller & Modigliani

² Feltham & Ohlson

³ Nissim & Penman

⁴ Return on Net Operating Assets

⁵ Esplin et.al

⁶ Burens et.al

گیری سوددهی یک شرکت استفاده از نسبت بازده حقوق صاحبان سهام^۱ (ROE) است که بر مبنای تجزیه و تحلیل دوپانت این نسبت به اجزا ذیل تفکیک می‌گردد.

$$\text{ROE} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{حقوق صاحبان سهام}} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{فروش}} \times \frac{\text{فروش}}{\text{دارایی‌ها}} \times \frac{\text{دارایی‌ها}}{\text{حقوق صاحبان سهام}}$$

تفکیک بازده حقوق صاحبان سهام به این سه بخش باعث درک بهتر از چگونگی افزایش این نسبت می‌گردد به طوری که اگر این افزایش ناشی از دو بخش اول باشد نشان دهنده ی عملکرد مناسب شرکت و اگر ناشی از بخش اهرمی باشد به این معناست که ریسک شرکت افزایش یافته است. سایر تحقیقات در این حوزه نیز به این موضوع پرداخته اند که آیا تفکیک صورت سود و زیان به بخش های مختلف می‌تواند قدرت پیش بینی سود دهی آتی را افزایش دهد نتایج این تحقیقات نیز از این تفکیک حمایت می‌کند. برادشو و همکاران^۲ (۲۰۱۰)، فریلد و همکاران^۳ (۱۹۹۶) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که تفکیک سود غیر عملیاتی از عملیاتی باعث افزایش توانایی پیش بینی سود آتی می‌شود. همچنین فریلد و یوهن^۴ (۲۰۰۱) مطالعه خود را از طریق تفکیک خالص بازده دارایی های عملیاتی (RNOA) به دو بخش حاشیه سود و گردش دارایی ها گسترش دادند و به بررسی این موضوع پرداختند که آیا این تفکیک باعث می‌گردد که بهتر بتوان خالص بازده دارایی های عملیاتی آتی را پیش بینی نمود. نتایج تحقیقات آن ها نشان داد که این تفکیک باعث بهبود پیش بینی این شاخص می‌گردد.

اگر نتایج این تحقیقات در توانایی تفکیک مالی و عملیاتی در پیش بینی درست باشد حال یک سوال طبیعی پیش می‌آید که آیا قیمت سهام منعکس کننده این تفکیک است. به عبارت دیگر آیا قیمت سهام این تفکیک را نشان می‌دهد. در همین راستا واهلن و ویلند^۵ (۲۰۱۱) مدل ارائه شده توسط نسیم و پنمن را با استفاده از شش (۶) نوع اطلاعات مالی (تغییر در سود ناخالص (GM)، تغییر در هزینه های توزیع و فروش (SGA)، تغییر در گردش دارایی ها (ATO)، رشد در خالص دارایی های عملیاتی (GNOA)، ارقام تعهدی (ACC)، بازده خالص دارایی های عملیاتی (RNOA)) باز نگری نمودند، نتایج تحقیقات آن ها نشان داد که قیمت سهام منعکس کننده این اطلاعات نیست و در یک بازه زمانی دوازده ساله می‌توان با استفاده از این اطلاعات به بازه غیرعادی ۱۰/۹ درصدی دست یافت. همچنین سلیمان^۶ (۲۰۰۸) به بررسی این موضوع پرداخت که آیا بازده بازار سهام با نسبت دوپانت ارتباط دارد او به صورت خالص به بررسی نسبت تغییر در گردش دارایی ها (ATO) پرداخت. همچنین او به بررسی این موضوع پرداخت که آیا تحلیل گران به سیگنال های سوددهی نسبت دوپانت واکنش نشان می‌دهند و بر اساس این سیگنال ها پیش بینی آتی خود را اصلاح می‌کنند. او به صورت ناخالص با استفاده از تغییر در گردش دارایی

¹ Return on Equity

² Bradshaw et al

³ Fairfield et al

⁴ Fairfield & Yohn

⁵ Wahlen & Wieland

⁶ Soliman

ها (ATO) به بازده غیر عادی ۷/۸ درصدی دست یافت که این موضوع نشان دهنده این است که تحلیل گران همه اطلاعاتی که در نسبت دوپانت وجود دارد را در هنگام تصمیم گیری به کار نمی گیرند. به عبارت دیگر نتایج این تحقیق نشان می دهد که تحلیل گران در هنگام تصمیم گیری خود به همه اطلاعات توجه نمی کنند. بنابراین بر اساس مطالعات فوق می توان نتیجه گرفت که تحلیل گران تنها از برخی از اطلاعات نسبت های مالی استفاده می نمایند و از همه اطلاعات استفاده نمی کنند بنابراین چنین انتظار می رود که تفکیک اقلام در صورت های مالی و افزایش انسجام میان صورت های مالی به استفاده کنندگان در هنگام تصمیم گیری یاری رساند.

تأثیر آگاهی دهنده (هشدار دهنده) شکل ارائه اطلاعات

بر مبنای مطالعه والر و فلیکس^۱ (۱۹۸۴) صورت های مالی یک ساختار فهرست وار و طبقه بندی شده را ایجاد می کند که بر مبنای آن استفاده کنندگان از اطلاعات مالی دانش خود را شکل می دهند. بر مبنای موارد بیان شده اگر اطلاعات مالی به صورت مناسب در جایگاه خود ارائه نشوند نمی توانند تأثیر مثبتی بر قضاوت و تصمیم بگذارند بنابراین حافظه کاری^۲ مجبور خواهد شد که یک بار دیگر اطلاعات مالی را فرموله نموده که این امر باعث افزایش تلاش شناختی به صورت غیر کارا شده و بر کیفیت قضاوت و تصمیم نیز تأثیر می گذارد. این همان موضوعی است که لوفت و شیلدز^۳ (۲۰۰۱) به آن اشاره می کنند به طوری که آن ها بیان می کنند حسابداری می تواند بر فرآیند آموزش خود تأثیر بگذارد. به صورت مشابه هاپکینز^۴ (۱۹۹۶) بیان می کند که طبقه بندی اطلاعات می تواند بر دانش دستیابی و استفاده از این اطلاعات تأثیر بگذارد. از این رو هیات استانداردهای حسابداری بین المللی معتقد است که تغییر شکل ارائه صورت های مالی باعث می گردد که استفاده از داده های مالی صورت های مالی با کیفیت بالاتری اتفاق بیافتد. همچنین اعتقاد بر این است که افزایش انسجام صورت های مالی باعث تقویت توانایی استفاده کنندگان در استفاده بهتر از نسبت های مالی می شود چون آن ها با استفاده از شکل پیشنهادی ارائه شده بهتر می توانند ارتباط میان اطلاعات مالی را تشخیص دهند. به صورت خلاصه یک طبقه بندی منسجم باعث می گردد که بهتر بتوان میان اطلاعات صورت وضعیت مالی و صورت سود و زیان ارتباط برقرار نمود. همان طور که در بخش های قبل نیز بیان شد یک طبقه بندی منسجم باعث تقویت کارایی تحصیل و ارزیابی اطلاعات می گردد و این امر زمانی که بحث ارزیابی عملکرد عملیاتی و اهرم مالی مطرح است یک عنصر کلیدی است.

¹ Waller & Felix

² Working Memory

³ Luft & Shields

⁴ Hopkins

پیشینه پژوهش

مطالعات اولیه رفتاری در حسابداری تنها بر روی محتوای اطلاعات حسابداری توجه داشتند و از تمرکز بر روی نحوه ارائه اطلاعات پرهیز می‌نمودند، اما رشد مطالعات نحوه ارائه در سال‌های اخیر نشان از اهمیت نحوه ارائه بر تصمیم‌گیری دارد. در یک تقسیم‌بندی غنی و همکاران (۲۰۰۹) تحقیقات صورت گرفته در حوزه نحوه ارائه را به شرح ذیل طبقه‌بندی نموده است.

(۱) رفتار جست‌وجو^۱

تحقیقات بسیاری در ارتباط با نحوه ارائه به مبحث رفتار جست‌وجو پرداخته‌اند. در این تحقیقات به بررسی دو موضوع چگونگی کسب اطلاعات توسط تصمیم‌گیرندگان و مقدار اطلاعات کسب شده توسط آن‌ها پرداخته شده است. از لحاظ روش‌شناسی تحقیق، این حوزه از تحقیقات شبیه به یکدیگر می‌باشند. به طوری که از دانشجویان به‌عنوان شرکت‌کنندگان خواسته شده تا با استفاده از انواع مختلف نحوه ارائه، تصمیم‌گیری نمایند. نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که نحوه ارائه هم از لحاظ کمیت اطلاعات و هم شیوه دستیابی به اطلاعات بر رفتار جست‌وجوی تصمیم‌گیرندگان تأثیر می‌گذارد. این تأثیر می‌تواند هم پیامد مثبت و هم پیامد منفی داشته باشد. همچنین رفتار جست‌وجوگرانه بین تصمیم‌گیرندگان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای متفاوت بوده و دلیل این امر نیز تفاوت در دانش و مهارت آن‌ها است. هر دو گروه حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای تصمیم‌گیرندگان به پیروی از راه و روش‌های خاصی گرایش دارند، به طوری که تصمیم‌گیرندگان حرفه‌ای از یک روش مستقیم استفاده می‌کنند و در این روش آن‌ها از صفحه‌ای به صفحه دیگر از صورت‌های مالی گذر نموده و به دنبال دستیابی به مجموعه‌ای از اطلاعات مربوط هستند در حالی که تصمیم‌گیرندگان غیرحرفه‌ای از یک روش ترکیبی^۲ استفاده نموده و گزارشات را خط به خط مطالعه می‌نمایند. تحقیقی که توسط هرست و هاپکینز در این باره انجام شده است نشان می‌دهد که تحلیل گران حرفه‌ای از اطلاعات گذشته‌نگر صرف‌نظر می‌نمایند در حالی که تحلیل گران غیرحرفه‌ای ممکن است به این اطلاعات وزن بیشتری بدهند. از سوی دیگر با توجه به روشی که سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای برای مطالعه صورت‌های مالی انتخاب نموده‌اند، ممکن است نتوانند به اطلاعات مربوط صفحه‌های آخر صورت‌های مالی در زمان معین دست یابند؛ بنابراین اگر اطلاعات مربوط صورت‌های مالی بر مبنای یک نحوه ارائه مناسب برجسته گردد می‌تواند به سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای کمک کند تا بهتر تصمیم‌گیری نمایند.

(۲) واکنش مؤثر^۳

واکنش‌های مؤثر به تغییر در تصمیم یا خلق و خوی شرکت‌کنندگان بعد از تأثیر گرفتن از یک موضوع خاص اشاره دارد. در واکنش مؤثر به شرکت‌کنندگان مجموعه‌ای از اطلاعات در مورد نحوه ارائه داده می‌شود و سپس این موضوع بررسی می‌گردد که آیا نحوه ارائه در تصمیم آن‌ها تغییری ایجاد کرده است.

¹ Search behaviour² sequential search method³ Affective Responses

مارتین و همکاران (۱۹۹۳) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا حالات روحی و روانی افراد قبل از انجام یک آزمایش بر تصمیمات آن‌ها تأثیر می‌گذارد. آن‌ها برای بررسی این موضوع قبل از انجام آزمایش به شرکت‌کنندگان یک کلیپ را نشان دادند. نتایج آزمایش آن‌ها نشان داد که شاد بودن و غمگین بودن افراد قبل از آزمایش بر تصمیمات آن‌ها تأثیر می‌گذارد. همچنین هیرت و همکاران (۱۹۹۷) نشان دادند که حالات روحی شرکت‌کنندگان (شاد یا ناراحت بودن) بر تلاش و استراتژی‌هایی که آن‌ها در آزمایش انتخاب می‌کنند تأثیر می‌گذارد. همچنین کیدا و اسمیت (۱۹۹۵) نشان دادند که نحوه ارائه اطلاعات می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان در شکل‌دهی ذهنی کمک کند. به‌طور کلی تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده است، حاکی از آن است که نحوه ارائه بر روی واکنش مؤثر شرکت‌کنندگان تأثیر می‌گذارد.

۳) دقت تصمیم‌گیری^۱

دقت تصمیم‌گیری به توانایی یک استراتژی در تولید یک نتیجه‌ی دقیق اشاره دارد. اغلب دقت تصمیم‌گیری از طریق مقایسه‌ی نتایج با یک شاخص اندازه‌گیری می‌شود. تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده است در جستجوی این موضوع هستند که آیا نحوه ارائه می‌تواند باعث افزایش دقت تصمیم‌گیری گردد. نتایج تحقیقات برخی از محققان حاکی از آن است که نحوه ارائه باعث افزایش دقت تصمیم‌گیری می‌شود.

۴) تلاش شناختی^۲

تلاش شناختی به مجموع مخارجی که مصرف می‌شود تا یک وظیفه کامل شود، اشاره دارد. تلاش شناختی از طریق مجموع زمان صرف شده برای تصمیم‌گیری یا مجموع فعالیت‌های شناختی اندازه‌گیری می‌شود. از آنجا که انسان همواره به‌صورت ذاتی به دنبال روشی است تا فعالیت‌های خود را در زمان کمتری انجام دهد، تصمیم‌گیرندگان نیز به‌عنوان یک انسان همواره تمایل دارند روش‌هایی را بیابند تا از طریق این روش‌ها تلاش شناختی خود را برای حل یک مسئله کاهش دهند. از این‌رو مطالعات نحوه ارائه نیز بر روی تلاش شناختی تمرکز کرده‌اند. به‌طور کلی نتایج حاصل از مطالعات نشان می‌دهد که نحوه ارائه بر روی تلاش شناختی تأثیر می‌گذارد. البته مطالعاتی نیز وجود دارد که به نتایج متناقضی دست یافته‌اند. برای نمونه دال و همکاران (۲۰۰۳) به بررسی تأثیر نحوه ارائه‌های مختلف بر روی قضاوت، پیش‌بینی و مقدار دستیابی به اطلاعات پرداختند. همچنین آن‌ها به اندازه‌گیری زمان صرف شده توسط هر یک از شرکت‌کنندگان نیز پرداختند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که در شرکت‌های کوچک رابطه‌ی معناداری میان زمان صرف شده و نحوه ارائه وجود دارد در حالی که در شرکت‌های بزرگ این چنین نیست.

بن بست و دکستر (۱۹۸۵) در تحقیق خود به بررسی تأثیر نحوه ارائه جدولی و گرافیکی بر روی فرآیند تصمیم‌گیری افراد پرداختند. آن‌ها دریافتند که شکل جدولی نسبت به شکل گرافیکی به تصمیم‌گیری سریع‌تری می‌انجامد؛ اما شکل گرافیکی هنگامی که محدودیت زمان وجود ندارد، عملکرد بهتری نسبت به

¹ Decision accuracy

² Cognitive effort

شکل جدولی دارد. توتل و کرشا (۱۹۹۸) نیز دریافتند استفاده از شکل جدولی سرعت را در مقایسه با شکل گرافیکی افزایش می‌دهد.

۵) تثبیت عملکردی^۱

تثبیت عملکرد به این موضوع اشاره دارد که یک شخص معنا و مفهومی را به یک عنوان یا یک موضوع اختصاص می‌دهد و قادر به تشخیص سایر معناها و کاربردهای جایگزین برای آن موضوع نیست. در حسابداری تثبیت عملکرد زمانی بوجود می‌آید که یک تصمیم‌گیرنده نمی‌تواند تفاوت‌های ناشی از پذیرش روش‌های مختلف حسابداری را درک نماید (لیبی و همکاران، ۲۰۰۲). نتایج مطالعات مختلفی که در این حوزه انجام شده است نشان می‌دهد که تثبیت عملکردی در حسابداری زمانی وجود دارد که یک شرکت با دو گزینه، افشا یک‌قلم در متن صورت‌های مالی و یا افشا در یادداشت‌های پیوست رو به روست. مطالعات متعددی به بررسی تثبیت کارکردی پرداخته‌اند و نهایتاً نتیجه گرفته‌اند که برای کاهش این امر باید از مکانیسم نحوه‌ی ارائه و آموزش استفاده نمود. هاگ و همکاران (۲۰۰۴) دریافتند که نحوه‌ی ارائه منجر به راه‌حلی بالقوه برای کاهش تثبیت کاربردی می‌گردد.

در سال‌های اخیر نیز مطالعات نحوه ارائه افزایش یافته است به‌طوری‌که هاگ و همکاران (۲۰۰۴) دریافتند که وقتی، روش حسابداری اختیار سهام میان شرکت‌ها متفاوت است، استفاده از xbrl باعث می‌گردد که استفاده‌کنندگان غیرحرفه‌ای اطلاعات را راحت‌تر کسب نمایند. همچنین هاگ در سال ۲۰۰۱ در تحقیق خود نشان داد که استفاده از هایپرلینک کردن اطلاعات صورت‌های مالی غیر حسابرسی نسبت به صورت‌های مالی حسابرسی شده باعث افزایش اثر تمرکز بیش از حد می‌شود. اگرچه آگاه کردن سرمایه‌گذاران در ارتباط با حسابرسی و غیر حسابرسی بودن صورت‌های مالی باعث کاهش اثر این تحقیق می‌شود. در یک تحقیق مشابه کلتون و پنینگ تن (۲۰۱۲) دریافتند که استفاده‌کنندگان زمانی که اطلاعات به صورت هایپرلینک می‌باشد نسبت به حالتی که اطلاعات کاغذی است در مواجهه با یک موضوع سرمایه‌گذاری تلاش شناختی کمتری می‌کنند، اما آن‌ها به مدارکی که نشان دهد یک ارتباط معنادار میان تصمیم و نحوه‌ی ارائه وجود دارد دست نیافتند. همچنین غنی و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی این موضوع پرداختند که آیا استفاده از یک فرمت ارائه دیجیتال (شامل Xbrl، Html، pdf)، می‌تواند باعث غلبه بر اثر تمرکز بیش از حد شود. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که استفاده از فرمت ارائه نمی‌تواند باعث کاهش تمرکز بیش از حد نیست.

خوش طینت، محسن (۱۳۷۷) در تحقیق خود با عنوان اثرات ارائه صورت‌های مالی بر قضاوت سرمایه‌گذاران به بررسی نقش ذهنیت‌گرایی سرمایه‌گذاران در مورد پیش‌بینی سود شرکت‌ها و اینکه آیا استفاده از اطلاعات حسابداری مالی می‌تواند موجب حذف یا کاهش ذهنیت‌گرایی سرمایه‌گذاران گردد پرداخت. نتایج تحقیق او نشان داد که یکی از راه‌های کم اثر کردن یا حذف این ذهنیت‌گرایی، راهنمایی و ارائه اطلاعات در قضاوت رخدادهای آتی می‌باشد.

^۱ Functional Fixation

خوش طینت، محسن و رافیک باغومیان (۱۳۸۱) در تحقیق خود به بررسی اثر نحوه ارائه و میزان پردازش اطلاعات بر کیفیت تصمیم گیری پرداختند، آن‌ها برای بررسی این موضوع به مقایسه کیفیت تصمیم گیری مبتنی بر اطلاعات عددی پردازش نشده، با تصمیم گیری مبتنی بر اطلاعات گرافیکی پردازش نشده، از لحاظ آماری پرداختند، نتایج نشان می‌دهد که این دو مورد از لحاظ آماری تفاوت معنی داری دارند به طوری که کیفیت تصمیم گیری مبتنی بر اطلاعات گرافیکی، بهتر از کیفیت تصمیم گیری مبتنی بر اطلاعات عددی می‌باشد.

کلار-پروال و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند که جداسازی اطلاعات ارزش منصفانه به صورت یک ستون مجزا در صورت سود و زیان نه تنها به سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای در درک اطلاعات ارزش منصفانه کمک می‌کند، بلکه به قضاوت آن‌ها در نسبت قیمت به سود (P/E) و همچنین برآورد سود نیز یاری می‌رساند.

هوویت (۲۰۰۹) به بررسی این موضوع پرداخت که چه چیزی باعث افزایش عدم توانایی سرمایه‌گذاران در درک کامل تر تمایز میان بخش نقدی و تعهدی سود می‌شود. او برای بررسی این موضوع، نحوه ارائه اطلاعات را تغییر داد و در ذیل صورت سود و زیان عناصر نقدی و تعهدی سود را افشا نمود. نتایج تحقیق او نشان داد که با این تفکیک دقت پیش‌بینی آن‌ها افزایش می‌یابد.

لی ژینگ (۲۰۱۴) با تمرکز بر آنومالی‌های اقلام تعهدی و تمرکز بیش از حد و تمرکز بر کار مشترک دو هیئت استاندارد حسابداری بین المللی و هیات استاندارد های حسابداری آمریکا اقدام به بررسی این موضوع پرداخت که آیا افشا بخش نقدی سود در ذیل صورت سود و زیان و افزایش یکپارچگی میان صورت‌های مالی از این طریق می‌تواند به سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای در درک بهتر صورت‌های مالی یاری رساند او از طریق یک آزمایش دریافت که تغییر شکل ارائه می‌تواند ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاران را بهبود بخشیده و همچنین باعث بهبود عملکرد تصمیم و قضاوت آن‌ها شود.

بنابراین نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که در حال حاضر صورت های مالی فعلی در هنگام استفاده نیازمند اصلاحاتی است به طوری که بسیاری از استفاده کنندگان برای تصمیم گیری خود اقدام به اصلاح الگوی ارائه صورت های مالی می‌نمایند، به عبارت دیگر صورت های مالی فعلی ابزار ارزیابی مناسبی نیستند. از این رو نهادهای مختلف استانداردگذار در سال های اخیر به بررسی این موضوع پرداخته اند تا تغییراتی را در نحوه ارائه اطلاعات مالی ایجاد نمایند، سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی نیز در سال جاری اقدام به تغییر نحوه ارائه صورت های مالی نمودند تا از طریق افزایش دقت تصمیم و کاهش تلاش شناختی بر کیفیت قضاوت و تصمیم سرمایه گذاران تأثیر بگذارند. از این رو چنین انتظار می‌رود که طبقه بندی جدید صورت های مالی بر فرآیند تحصیل، ارزیابی و وزن دادن به اطلاعات تأثیر بگذارد و از این طریق قضاوت و تصمیم سرمایه گذاران متأثر گردد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

فرآیند تصمیم‌گیری به ماهیت و محتوای اطلاعات و همچنین نحوه ارائه اطلاعات بستگی دارد و با توجه به محدودیت انسان در پردازش اطلاعات، همواره این نگرانی وجود دارد که انسان تحت تأثیر جایگاه ارائه اطلاعات قادر به تحلیل اطلاعات نباشد بنابراین بررسی این موضوع که آیا نحوه ارائه اطلاعات می‌تواند به سرمایه‌گذاران در

تحلیل اطلاعات کمک کند مفید خواهد بود. صورت‌های مالی در حال حاضر شامل طیف گسترده‌ای از اطلاعات می‌باشد و این گستردگی باعث دشوار شدن درک اطلاعات مالی شده که از آن با عنوان اضافه‌بار افشا یاد می‌گردد. بر اساس نظر لیتلتون^۱ (۱۹۹۳) صورت‌های مالی باید در برگزیده واقعیت‌های مالی یک شرکت باشد، اما در حال حاضر این واقعیت‌های مالی به دلایل مختلف از جمله رشد، جهانی‌شدن و ... شرکت‌ها بسیار پیچیده شده‌اند؛ بنابراین سؤال مهم و اساسی این است که این واقعیت‌ها چگونه ارائه شوند تا به هدف اصلی صورت‌های مالی که کمک به تخصیص بهینه منابع است، دست یافت بنابراین بررسی موضوع تحقیق حائز اهمیت خواهد بود. مطالعات رفتاری گذشته حسابداری بیشتر بر روی محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی تمرکز نموده و از بررسی تأثیر نحوه ارائه اطلاعات بر روی تصمیم‌کنندگان چشم‌پوشی نموده‌اند. (هاپ وود، ۱۹۹۶) بنابراین تمرکز بر روی این موضوع که آیا نحوه ارائه اطلاعات می‌تواند بر تصمیم سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد خالی از لطف نیست.

فرضیه‌های پژوهش

طبقه بندی منسجم صورت‌های مالی نه تنها باعث کارایی در تحصیل اطلاعات می‌شود، بلکه باعث می‌گردد که درک این اطلاعات نیز افزایش یابد. از این رو انتظار می‌رود که به رغم طراحی جدید و غیر معمول، نحوه ارائه منسجم شده صورت‌های مالی موجب شود که سرمایه‌گذاران بهتر بتوانند درک خودشان از نسبت‌های مالی را شکل دهند و عملکرد تجزیه و تحلیل آنها به دلیل این امر که ارتباط میان فعالیت‌های عملیاتی، سرمایه‌گذاری و مالی در میان صورت‌های مالی واضح و آشکار شده است، کارا تر گردد و در نتیجه این امر موجب شود تلاش شناختی آنها کاهش یابد. از این رو فرضیات تحقیق به شرح ذیل تعریف می‌گردد:

فرضیه H₁: سرمایه‌گذاران چشم انداز و درک مثبتی را در ارتباط با تجزیه و تحلیل کارا صورت‌های مالی شکل می‌دهند هنگامی که اطلاعات ارائه شده به آنها میان صورتهای مالی مختلف از انسجام بالایی برخوردار باشد.

فرضیه H₂: هنگامی که انسجام میان صورت وضعیت مالی و صورت سود و زیان افزایش یابد سرمایه‌گذاران با دقت بیشتری می‌توانند اطلاعات مالی را ترکیب نمایند.

فرضیه H₃: تفاوت معناداری میان دقت در استخراج شکل سنتی و شکل منسجم شده وجود دارد.

فرضیه H₄: طبقه بندی منسجم صورت وضعیت مالی و صورت سود و زیان می‌تواند بر ارزیابی عملکرد سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد.

فرضیه H₅: طبقه بندی منسجم صورت وضعیت مالی و صورت سود و زیان می‌تواند بر ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد.

¹ Littleton

² Hopwood

روش پژوهش

برای ارزیابی تأثیر شکل ارائه اطلاعات منسجم شده بر قضاوت و تصمیم سرمایه گذاران از روش آزمایش بین آزمودنی^۱ استفاده شده است. شرکت کنندگان در این آزمایش نقش سرمایه گذاران را بازی می کنند که با گزینه سرمایه گذاری در شرکت الف و ب روبرو هستند و از آنها خواسته شده است که سه (۳) نسبت اصلی مدل پیشرفته دوپانت (بازده خالص دارایی های عملیاتی^۲، خالص هزینه های مالی^۳، اهرم مالی^۴) که توسط نسیم و پنمن^۵ (۲۰۰۱) ارائه شده است را محاسبه نمایند. از این رو متغیر مستقل تحقیق صورت های مالی است که از طریق دو الگوی ارائه منسجم شده (الگوی پیشنهادی دو هیات) و الگوی جدید ارائه شده توسط سازمان حسابرسی و بورس اوراق بهادار در اختیار شرکت کنندگان قرار می گیرد. متغیر وابسته تحقیق نیز چشم انداز سرمایه گذاران، کارایی تحصیل، ترکیب و استخراج اطلاعات و نهایتاً قضاوت عملکردی آنها است که از طریق پاسخ به سوالات تحقیق توسط شرکت کنندگان اندازه گیری می گردد. نکته آخر نیز در طراحی این شبه آزمایش این است که این آزمایش طوری طراحی شده است که دو شرکت نمونه از لحاظ نسبت بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) مشابه همدیگر بوده اما از لحاظ نسبت اهرمی شرکت الف از اهرم مالی بیشتری استفاده نموده و این شرکت دارای ریسک نسبتاً زیادتری است و نوسان بالایی از سود را نیز دارد.

آزمون شوندگان و نحوه انجام کار

از آنجا که باید بین سؤال تحقیق و افراد شرکت کننده در تحقیق یک همخوانی وجود داشته باشد، در این تحقیق جامعه‌ی مورد بررسی افراد حاضر در نهادها و بازارهای مالی در نظر گرفته شده اند و نمونه آماری نیز شامل ۹۲ شرکت کننده می باشد. میانگین سن شرکت کنندگان ۲۷.۸ سال بوده که شامل ۲۲ درصد مرد و ۷۸ درصد زن بوده اند. تمام شرکت کنندگان دارای تجربه مالی و حسابداری بوده و حداقل دارای لیسانس حسابداری و گرایش های مختلف مدیریت بوده اند. به هر یک از شرکت کنندگان با توجه به این امر که در چه گروهی قرار می گیرد صورت های مالی و برخی اطلاعات اضافی در ارتباط با دو شرکت الف و ب ارائه شده است و از آنها خواسته شده به سوالات تحقیق پاسخ دهند.

یافته های پژوهش

در ابتدا برای بررسی نرمال بودن مشاهدات از آزمون کولموگراف اسمیرنوف استفاده شده است، سپس با توجه به نتایج این آزمون در ارتباط با نرمال بودن یا نبودن داده ها برای آزمون فرضیه های پژوهش، از آزمون آماری مناسب استفاده شده است.

¹ between-subject

² Return on Net Operating Assets

³ Net Borrowing Cost

⁴ Financial Leverage

⁵ Nissim & Penman

نتایج آزمون فرضیه‌ی اول

فرضیه‌ی اول به این موضوع می‌پردازد که یک طبقه بندی منسجم باعث سهولت در جمع‌آوری و استخراج اطلاعات توسط سرمایه‌گذاران و همچنین افزایش اطمینان آنها نسبت به قضاوتشان خواهد شد. برای بررسی این فرضیه از آزمون شونگان در ارتباط با میزان سهولت جمع‌آوری و استخراج اطلاعات و همچنین میزان اطمینان آنها در ارتباط با صحت پاسخ‌هایشان به سوالات تحقیق، سوال گردیده است و سپس به مقایسه نتایج براساس الگوهای مختلف ارائه صورت‌های مالی پرداخته شده است.

در ابتدا برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگوروف-اسمیرنف استفاده شده است. نتایج در جدول شماره یک (۱) خلاصه شده است که با توجه به معناداری آماری کمتر از ۵ درصد فرضیه‌ی نرمال بودن مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. از این رو برای بررسی این فرضیه از آزمون من ویتنی استفاده شده است، با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد نتایج این آزمون می‌توان نتیجه گرفت که از لحاظ آماری تفاوت معناداری میان دو الگوی ارائه سنتی و منسجم شده وجود دارد به طوری که شرکت‌کنندگان در ارتباط با سهولت در جمع‌آوری و استخراج اطلاعات و دقت پاسخ‌ها از ۱۴ نمره ممکن در حالت سنتی به طور میانگین ۶.۵۱ نمره و در حالت تقویت شده ۸.۴۵ نمره به سوالات اختصاص داده‌اند. بنابراین فرضیه‌ی شماره یک مورد پذیرش قرار گرفته به طوری که الگوی ارائه منسجم شده باعث افزایش دقت و همچنین سهولت در استخراج و جمع‌آوری داده خواهد شد.

جدول شماره یک (۱)-نتایج آزمون فرضیه شماره یک						
آزمون نرمال بودن داده‌ها						
آزمون شاپیرو-ویلک			آزمون کولموگوروف-اسمیرنف			نحوه الگوهای ارائه
سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	
۰.۰۰۴	۴۷	۰.۹۲۱	۰.۰۰۲	۴۷	۰.۱۶۶	الگوی ارائه سنتی
۰.۰۰۵	۴۵	۰.۹۲۳	۰.۰۰۱	۴۵	۰.۱۸۰	الگوی ارائه منسجم شده
آمار توصیفی						
انحراف معیار		میانگین	تعداد مشاهدات		نحوه الگوهای ارائه	
۱.۷۸		۶	۴۷		الگوی ارائه سنتی	
۱.۲۲		۸	۴۵		الگوی ارائه منسجم شده	
آزمون من ویتنی						
سطح معناداری (Sig)	آماره Z	آماره ی ویلکاکسون (Wilcoxon W)	آماره ی من ویتنی (Mann-Whitney U)			
۰.۰۰۰	-۵.۵۷۲	۱,۴۸۳.۵	۳۵۵.۵			

نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم

در این فرضیه به این موضوع پرداخته می شود که وجود صورت های مالی منسجم باعث می گردد تا سرمایه گذاران بسیار با دقت بیشتر اطلاعات مالی را ترکیب نمایند. برای اندازه گیری اثربخشی ترکیب کردن از شرکت کنندگان درخواست شده است که سه (۳) نسبت کلیدی (بازده خالص دارایی های عملیاتی، درصد هزینه های مالی و درجه اهرم مالی) را محاسبه نمایند و سپس به بررسی صحت پاسخ ها آزمون شوندها پرداخته شده است، نتایج این آزمون در جدول شماره ۲ خلاصه شده است. همانطور که در این جدول مشخص است سطح معناداری کمتر از ۵ درصد آزمون کولموگروف- اسمیرنوف حاکی از عدم نرمال بودن داده است، بنابراین برای آزمون این فرضیه نیز از آزمون من ویتنی استفاده شده است، سطح معناداری کمتر از ۵ درصد نتایج این آزمون نیز نشان می دهد که از لحاظ آماری تفاوت معناداری میان دو الگوی ارائه سنتی و منسجم شده وجود دارد و شکل ارائه باعث تفاوت معناداری در فرآیند اثر بخشی ترکیب اطلاعات توسط شرکت کنندگان، شده است به طوری که ۴۳ درصد در شکل منسجم شده توانسته اند از ۵ سوال حداقل به ۴ سوال در ارتباط با نسبت ها به درستی پاسخ دهند در حالی که در شکل سنتی تنها ۱۰ درصد توانسته اند نسبت ها را به درستی محاسبه نمایند. بنابراین شکل منسجم شده صورت های مالی می تواند بر استفاده کنندگان در جهت افزایش دقت ترکیب اطلاعات یاری رساند.

جدول شماره دو (۲)-نتایج آزمون فرضیه شماره دو						
آزمون نرمال بودن داده ها						
آزمون شاپیرو- ویلک		آزمون کولموگروف- اسمیرنوف				نحوه الگوهای ارائه
سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	
۰.۰۰۰	۹۴	۰.۶۰۳	۰.۰۰۰	۹۴	۰.۳۲۴	
۰.۰۰۰	۹۰	۰.۸۷۴	۰.۰۰۰	۹۰	۰.۲۴۴	الگوی ارائه منسجم شده
آمار توصیفی						
انحراف معیار		میانگین	میانگین	تعداد مشاهدات	نحوه الگوهای ارائه	
۱.۲۹		۰.۰۰	۰.۷۴	۴۷	الگوی ارائه سنتی	
۰.۸۷		۳.۴۰	۳.۴۰	۴۵	الگوی ارائه منسجم شده	
آزمون من ویتنی						
سطح معناداری (Sig)	آماره ی Z	آماره ی ویلکاکسون (Wilcoxon W)		آماره ی من ویتنی (Mann-Whitney U)		
۰.۰۰۰۰	-۱۰.۲۷۹	۵.۱۶۵.۵		۷۰۰.۵		

نتایج آزمون فرضیه‌ی سوم

این فرضیه بیان می کند که میان الگوی ارائه سنتی و منسجم شده صورت های مالی در ارتباط با استخراج اطلاعات تفاوت معناداری وجود دارد. برای اندازه گیری اثربخشی استخراج اطلاعات از شرکت کنندگان درخواست شده است به سه (۳) سوال در ارتباط با سهام خزانه، سود سرمایه گذاری در شرکت های وابسته و نسبت جاری پاسخ

دهند، نتایج در جدول شماره ۳ خلاصه شده است. در ابتدا برای بررسی نرمال بودن از آزمون کولموگروف-اسمیرنف استفاده شده است که با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد فرضیه ی نرمال بودن مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد از این رو برای بررسی این فرضیه نیز از آزمون من ویتنی استفاده شده، که با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد این آزمون نیز می‌توان نتیجه گرفت که از لحاظ آماری تفاوت معناداری میان دو الگوی ارائه سنتی و منسجم شده وجود دارد به طوری که میانگین پاسخ‌های صحیح در الگوی تقویت شده حدود ۲۰ درصد بیشتر از الگوی سنتی است.

جدول شماره سه (۳)-نتایج آزمون فرضیه شماره سه					
آزمون نرمال بودن داده‌ها					
آزمون شاپیرو-ویلک		آزمون کولموگروف-اسمیرنف			نحوه الگوهای ارائه
سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	
۰.۰۰۰	۴۷	۰.۸۰۹	۰.۰۰۰	۴۷	۰.۲۶۸
۰.۰۰۰	۴۵	۰.۶۰۵	۰.۰۰۰	۴۵	۰.۴۳۳
آمار توصیفی					
انحراف معیار		میان	میانگین	تعداد مشاهدات	نحوه الگوهای ارائه
۱.۰۰		۳.۰۰	۳.۰۹	۴۷	الگوی ارائه سنتی
۰.۷۶		۴.۰۰	۳.۵۶	۴۵	الگوی ارائه منسجم شده
آزمون من ویتنی					
سطح معناداری (Sig)	آماره ی Z	آماره ی ویلکاکسون (Wilcoxon W)	آماره ی من ویتنی (Mann-Whitney U)		
۰.۰۱۲	-۲.۵۱	۱,۸۹۸.۵۰	۷۷۰.۵۰		

نتایج آزمون فرضیه‌ی چهارم

این فرضیه بیان می‌کند که طبقه بندی منسجم صورت‌های مالی خواهد توانست بر روی ارزیابی عملکرد سرمایه‌گذاران تاثیر بگذارد. برای بررسی این موضوع از شرکت کنندگان درخواست شده است تا ابتدا عملکرد عملیاتی دو شرکت الف و ب را برای سال ۱۳۹۶ ارزیابی نموده و سپس مشخص نمایند با داشتن ۱۰۰۰۰۰ واحد پول چه مقدار در شرکت الف و چه مقدار در شرکت ب سرمایه‌گذاری می‌نمایند. طراحی آزمایش طوری بوده است که بازده دارایی‌های عملیاتی شرکت الف از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ کاهش یافته در حالی که این نسبت برای شرکت ب طی این مدت افزایش یافته است. بر همین اساس اعتقاد بر این است که شرکت کنندگان در الگوی ارائه تقویت شده رتبه‌ی متمایزتری را به شرکت ب نسبت به شرکت الف اختصاص دهند. نتایج سطح معناداری کمتر از ۵ درصد آزمون کولموگروف-اسمیرنف ارائه شده در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که داده‌های این فرضیه نیز همانند سه فرضیه گذشته نرمال نمی‌باشد بنابراین برای بررسی این فرضیه نیز از آزمون من ویتنی استفاده شده است، سطح معناداری کمتر از ۵ درصد آماره‌ی این موضوع نیز نشان می‌دهد که از لحاظ آماری تفاوت معناداری میان دو

(۲) الگوی ارائه سنتی و منسجم شده وجود دارد به طوری که شرکت کنندگان در حالت تقویت شده وزن بیشتری را به شرکت ب داده اند و نمره کمتری را به شرکت الف تخصیص داده اند. بنابراین این فرضیه نیز مورد پذیرش قرار می گیرد.

جدول شماره چهار (۴)-نتایج آزمون فرضیه شماره چهار						
آزمون نرمال بودن داده ها						
آزمون شاپیرو-ویلک			آزمون کولموگروف-اسمیرنف			نحوه الگوهای ارائه
سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	
۰.۳۰۷	۴۷	۰.۹۷۲	۰.۰۱۲	۴۷	۰.۱۴۸	الگوی ارائه سنتی
۰.۰۳۶	۴۵	۰.۹۴۶	۰.۰۱۸	۴۵	۰.۱۴۶	الگوی ارائه منسجم شده
آمار توصیفی						
انحراف معیار		میان	میانگین	تعداد مشاهدات	نحوه الگوهای ارائه	
۲.۹۵		۱۲.۰۰	۱۲.۵۵	۴۷	الگوی ارائه سنتی	
۲.۲۰		۱۴.۰۰	۱۴.۲۲	۴۵	الگوی ارائه منسجم شده	
آزمون من ویتنی						
سطح معناداری (Sig)	آماره Z	آماره ی ویلکاکسون (Wilcoxon W)	آماره ی من ویتنی (Mann-Whitney U)			
۰.۰۰۲	-۳.۰۳۶	۱,۷۹۹.۵	۶۷۱.۵			

نتایج آزمون فرضیه ی پنجم

این فرضیه بیان می کند که طبقه بندی منسجم صورت های مالی خواهد توانست بر روی ارزیابی ریسک سرمایه گذاران تأثیر بگذارد. برای بررسی این موضوع از شرکت کنندگان درخواست شده است تا ریسک سرمایه گذاری در دو شرکت الف و ب را برآورد نمایند. نتایج آزمون این فرضیه در جدول شماره ۵ خلاصه شده است. در ابتدا برای بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنف استفاده شده است با توجه به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد آماره ی این آزمون فرضیه ی نرمال بودن مورد پذیرش قرار نمی گیرد از این رو برای بررسی این فرضیه نیز از آزمون من ویتنی استفاده شده است همان طور که در جدول شماره ی ۵ مشخص است سطح معناداری کمتر از ۵ درصد آماره این آزمون نشان می دهد که الگوی ارائه می تواند باعث تفاوت معناداری در برآورد ریسک شرکت کنندگان گردد از این رو این فرضیه نیز مورد پذیرش قرار می گیرد.

جدول شماره پنج (۵)-نتایج آزمون فرضیه شماره پنجم					
آزمون نرمال بودن داده‌ها					
آزمون شاپیرو-ویلک			آزمون کولموگروف-اسمیرنوف		
سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره	سطح معناداری (Sig)	درجه آزادی	آماره
۰.۱۰۵	۴۷	۰.۹۶۰	۰.۰۱۱	۴۷	۰.۱۴۹
۰.۰۰۲	۴۵	۰.۹۰۹	۰.۰۰۱	۴۵	۰.۱۸۴
آمار توصیفی					
انحراف معیار		میان	میانگین	تعداد مشاهدات	نحوه الگوهای ارائه
۱.۸۷		۸.۰۰	۸.۶۶	۴۷	الگوی ارائه سنتی
۱.۸۸		۷.۰۰	۷.۵۶	۴۵	الگوی ارائه منسجم شده
آزمون من ویتنی					
سطح معناداری (Sig)	آماره ی Z	آماره ی ویلکاکسون (Wilcoxon W)	آماره ی من ویتنی (Mann-Whitney U)		
۰.۰۰۲	-۲.۹۵۷	۱,۷۲۰.۵	۶۸۵.۵		

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تاثیر ارائه الگوی انسجام یافته صورت‌های مالی بر قضاوت و تصمیم سرمایه‌گذاران مورد بررسی قرار گرفته است، بدین منظور از ۹۲ شرکت کننده به عنوان نمونه آماری که دارای تجربه مالی و حسابداری بوده اند درخواست شده تا بر اساس دو الگوی گزارشگری سنتی و منسجم شده به ۱۸ سوال پاسخ دهند. براساس نظریه بار شناختی و تئوری پردازش اطلاعات توسط انسان، انتظار بر این است که الگوی گزارشگری منسجم شده نسبت به الگوی سنتی اطلاعات بهتری را درباره چشم انداز سرمایه‌گذاران، کارایی به دست آوردن اطلاعات، کارایی ترکیب و استخراج اطلاعات و قضاوت عملکردی در اختیاران سرمایه‌گذاران قرار دهد و آنها بتوانند با استفاده از این اطلاعات بهتر تصمیم‌گیری نمایند. برای بررسی این موضوع از شرکت کنندگان در آزمایش درخواست گردید که نسبت های مالی شرکت های نمونه را با توجه به نحوه ارائه مختلف محاسبه نمایند نتایج نشان داد که ارائه صورت های مالی بر مبنای شکل منسجم شده باعث افزایش دقت تصمیم و کاهش زمان تحصیل اطلاعات می گردد.

همانطور که اشاره گردید طبقه بندی منسجم صورت های مالی نه تنها باعث کارایی در تحصیل اطلاعات می شود، بلکه باعث می گردد که درک این اطلاعات نیز افزایش یابد. از این رو در فرضیه اول به این موضوع پرداخته شد که نحوه ارائه منسجم شده صورت های مالی موجب می گردد که سرمایه‌گذاران بهتر بتوانند درک خودشان از نسبت های مالی را شکل دهند و تجزیه و تحلیل آنها به دلیل افزایش ارتباط میان فعالیت های عملیاتی، سرمایه گذاری و مالی در میان صورت های مالی بهبود یابد، نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد که سرمایه‌گذاران چشم انداز و درک مثبتی را در ارتباط با تجزیه و تحلیل کارا صورت های مالی شکل می دهند هنگامی که اطلاعات ارائه شده به آنها میان صورتهای مالی مختلف از انسجام بالایی برخوردار باشد.

در فرضیه شماره دو به این موضوع پرداخته می شود که وجود صورت های مالی منسجم شده باعث می گردد تا سرمایه‌گذاران بسیار با دقت بیشتر اطلاعات مالی را ترکیب نمایند. برای اندازه گیری اثربخشی ترکیب کردن از

شرکت کنندگان درخواست شد تا سه (۳) نسبت کلیدی (بازده خالص دارایی های عملیاتی، درصد هزینه های مالی و درجه اهرم مالی) را محاسبه نمایند همچنین در فرضیه شماره سه به بررسی این موضوع پرداخته شد که الگوی ارائه منسجم شده صورت های مالی باعث می گردد که سرمایه گذاران بهتر بتوانند اطلاعات در رابطه با سهام خزانه، سود سرمایه گذاری در شرکت های وابسته و نسبت جاری را استخراج نمایند. نتایج آزمون فرضیه دوم و سوم نیز نشان داد که زمانی که انسجام میان صورت وضعیت مالی و صورت سود و زیان افزایش یابد، سرمایه گذاران با دقت بیشتری اطلاعات مالی را استخراج و ترکیب می نمایند.

در فرضیه شماره چهار به بحث ارزیابی عملکرد پرداخته شده است براساس این فرضیه طبقه بندی منسجم صورت های مالی خواهد توانست بر روی ارزیابی عملکرد سرمایه گذاران تأثیر بگذارد. برای بررسی این موضوع از شرکت کنندگان درخواست شده است تا ابتدا عملکرد عملیاتی دو شرکت الف و ب را برای سال ۱۳۹۶ ارزیابی نموده و سپس مشخص نمایند با داشتن ۱۰۰۰۰ واحد پول چه مقدار در شرکت الف و چه مقدار در شرکت ب سرمایه گذاری می نمایند. نتایج آزمون فرضیه چهارم هم نشان داد که سرمایه گذاران در طبقه بندی منسجم، عملکرد شرکت ها را بهتر ارزیابی کرده اند و نهایتاً در فرضیه شماره پنج به بررسی ارزیابی ریسک پرداخته شده است برای بررسی این موضوع از شرکت کنندگان درخواست شده است تا ریسک سرمایه گذاری در دو شرکت الف و ب را برآورد نمایند. نتایج آزمون فرضیه پنجم نشان داد که در طبقه بندی منسجم صورت وضعیت مالی و صورت سود و زیان، ریسک سرمایه گذاری توسط سرمایه گذاران بهتر ارزیابی می گردد.

این تحقیق نیز همانند سایر تحقیقات آزمایشگاهی دارای محدودیت هایی است. اولین محدودیت انتخاب شرکت کنندگان و پاسخ های آنهاست که در یک محیط آزمایشگاهی ممکن است با محیط واقعی و بازار سرمایه متفاوت باشد که برای کاهش این محدودیت سعی گردیده است که با انتخاب شرکت کنندگان متنوع از لحاظ رشته و سابقه کار بر این محدودیت غلبه نمود. دومین محدودیت ناشی از گستردگی نحوه ارائه اطلاعات می باشد به طوری که نمی توان تمام این گستردگی ها را در این تحقیق و در یک نحوه ارائه اطلاعات گنجانده به عنوان مثال تفکیک بخش عملیات متوقف شده از عملیات مستمر شرکت یا استفاده از XBRL. بنابراین به سایر محققین پیشنهاد می گردد که در تحقیقات خود تأثیر این عوامل را نیز بررسی نمایند.

علیرغم محدودیت های اشاره شده این تحقیق دارای مزایایی می باشد. اولین مزیت استفاده از روش آزمایشی در این تحقیق می باشد به طوری که در رشته حسابداری تحقیقات در این حوزه اندک می باشد. دومین مزیت استفاده از نظریه بار شناختی در ادبیات حسابداری و مالی است که این تحقیق جز اولین تحقیقات در این حوزه می باشد و نهایتاً بیشتر تحقیقات حسابداری بر روی محتوای اطلاعات ارقام حسابداری تمرکز می نمایند در حالی که در این تحقیق بر روی نحوه ارائه اطلاعات صرف نظر از محتوای اطلاعاتی تمرکز شده است و در آخر نیز نتایج این تحقیق می تواند برای استفاده کنندگان از صورت های مالی، نهادهای قانون گذار حسابداری و سازمان بورس اوراق بهادار مورد استفاده قرار گیرد.

فهرست منابع

- * احمدی، مسعود (۱۳۹۱). روش تحقیق (اصول و مفاهیم با رویکرد پایان‌نامه نویسی) تهران، انتشارات پژوهش‌های فرهنگی.
- * اسلامی بیدگلی، غلام رضا و حمیدرضا کردلویی (۱۳۸۹). مالی رفتاری، مرحله‌ای گذر از مالی استاندارد تا نوروفاینانس، فصلنامه علمی - پژوهشی مهندسی مالی و مدیریت پرتفوی، سال اول، شماره ۱ اول، صص ۱۹-۳۶.
- * امیری، میثم (۱۳۹۲) "اقتصاد رفتاری و بینش سیاست‌گذاری عمومی" رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
- * خواجوی، شکراله و میثم قاسمی (۱۳۸۵). فرضیه‌ی بازار کارا و مالی رفتاری، دوفصلنامه‌ی تحقیقات مالی، شماره ۲۰، صص ۴۹-۶۹.
- * خوش طینت، محسن (۱۳۷۷)، اثرات ارائه صورت‌های مالی بر قضاوت سرمایه‌گذاران در تصمیمات سرمایه‌گذاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ۱۳۷۷ شماره ۲۴ و ۲۵
- * خوش طینت، محسن و رافیک باغومیان (۱۳۸۲)، تأثیر نحوه ارائه اطلاعات و میزان پردازش اطلاعات بر کیفیت تصمیم‌گیری، مطالعات مدیریت ۱۳۸۲ شماره ۳۷ و ۳۸.
- * Bloomfield, R., Hodge, F. D., Hopkins, P. E., & Rennekamp, K. (2010). Does classifying and disaggregating financial statement information help credit analysts recognize firms' cost structures? Working Paper.
- * Bouwman, M. (1982). The use of accounting information: Expert vs. novice behavior. In G. Ungson & D. Braunstein (Eds.), *Decision Making: An Interdisciplinary Inquiry*. Boston: Kent.
- * Bradshaw, M. T., Callahan, C., Ciesielski, J., Gordon, E., Kohlbeck, M., Hodder, L., Stocken, P. C. (2010). The American Accounting Association's Financial Reporting Policy Committee's Response to the Preliminary Views on Financial Statement Presentation. *Accounting Horizons*, 24(2), 279-296.
- * Clor-Proell, S. M., Proell, C. A., & Warfield, T. D. (2013). The Effects of Presentation Salience and Measurement Subjectivity on Nonprofessional Investors' Fair Value Judgments. *Contemporary Accounting Research*, forthcoming.
- * Dull, R.B; Graham, A.W and Baldwin, A.A. (2003). "Web-based Financial Statements: Hyperlinks to Footnotes and their Effect on Decisions", *International Journal of Accounting Information Systems*, 4, pp 185-203.
- * Esplin, A., Hewitt, M., Plumlee, M. A., & Yohn, T. L. (2012). Disaggregating Operating and Financing Activities - Implications for Forecasts of Future Profitability. Working Paper, SSRN ID 1543459.
- * Fairfield, P. M., & Yohn, T. L. (2001). Using asset turnover and profit margin to forecast changes in profitability. *Review of Accounting Studies*, 6(4), 371-385.
- * Fairfield, P. M., Sweeney, R. J., & Yohn, T. L. (1996). Accounting classification and the predictive content of earnings. *Accounting Review*(July), 337-355.
- * Feltham, G. A., & Ohlson, J. A. (1995). Valuation and clean surplus accounting for operating and financial activities. *Contemporary Accounting Research*, 11(2), 689-731.
- * Ghani, E. K., Laswad, F., & Tooley, S. (2011). Functional fixation: Experimental evidence on the presentation of financial information through different digital formats. *The British Accounting Review*, 43(3), 186-199.

- * Ghani, E. K., Laswad, F., Tooley, S., & Jusoff, K. (2009). The Role of Presentation Format on Decision-makers' Behaviour in Accounting. *International Business Research*, 2(1), 183-195.
- * Hewitt, M. (2009). Improving Investors' Forecast Accuracy when Operating Cash Flows and Accruals Are Differentially Persistent. *The Accounting Review*, 84(6), 1913-1931.
- * Hirst, D. E., & Hopkins, P. E. (1998). Comprehensive Income Reporting and Analysts' Valuation Judgments. *Journal of Accounting Research*, 36(Suppl.), 47-75.
- * Hodge, F. D., Kennedy, J. J., & Maines, L. A. (2004). Does Search-Facilitating Technology Improve the Transparency of Financial Reporting? *The Accounting Review*, 79(3), 687-703.
- * Hopkins, P. E. (1996). The effect of financial statement classification of hybrid financial instruments on financial analysts' stock price judgments. *Journal of Accounting Research*, 34(Suppl), 33-50.
- * ITAC, Investors Technical Advisory Committee. (2009). Response to IASB/FASB's discussion paper, "Preliminary Views on Financial Statement Presentation". July 1.
- * Kelton, A. S., & Pennington, R. R. (2012). Internet financial reporting: The effects of information presentation format and content differences on investor decision making. *Computers in Human Behavior*, 28(4), 1178-1185.
- * Kida, T., & Smith, J. F. (1995). The encoding and retrieval of numerical data for decision making in accounting contexts: Model development. *Accounting, Organizations and Society*, 20(7/8), 585-610.
- * Koller, T., Goedhart, M., & Wessels, D. (2010). *Valuation* (5th ed.). Hoboken, NJ: John Wiley & Sons.
- * Libby, R., & Lewis, B. L. (1977). Human information processing research in accounting: The start of the art. *Accounting, Organizations and Society*, 2(3), 245-268
- * Libby, R., & Lewis, B. L. (1977). Human information processing research in accounting: The start of the art. *Accounting, Organizations and Society*, 2(3), 245-268.
- * Libby, R., Bloomfield, R., & Nelson, M. W. (2002). Experimental research in Accounting. *Accounting, Organizations and Society*, 27, 775-810.
- * Luft, J. L., & Shields, M. D. (2001). Why does fixation persist? Experimental evidence on the judgment performance effects of expensing intangibles. *The Accounting Review*, 76(4), 561-587.
- * Nissim, D., & Penman, S. H. (2001). Ratio Analysis and Equity Valuation- From Research to Practice. *Review of Accounting Studies*, 6(1), 109-154.
- * Wahlen, J. M., & Wieland, M. M. (2011). Can financial statement analysis beat consensus analysts' recommendations? *Review of Accounting Studies*, 16, 89-115.
- * Waller, W., & Felix, W. L. J. (1984). The Auditor and Learning from Experience: Some Conjectures. *Accounting, Organizations and Society*, 9(3-4), 383-406.
- * Zingg, Lea, (2014) The Role of Financial Statement Presentation Format in Non-professional Investors' Judgment and Decision Making: The Effects of Cohesiveness and Classification of Financial Items.

The effect of a coherent presentation model of financial statements on investors' judgment and decisions in comparison with the model presented by the Tehran Stock Exchange and the auditing organization using a quasi-experimental approach

Sauber Sheri Anaghiz

Associate Professor of accounting, Faculty of management and accounting . Allameh Tabatabai University
accountingsheri@yahoo.com

Mohammad Hassan Ebrahimi Sarv Oly

Associate professor of Financial Management, Faculty of Accounting and Management, Allameh Tabatabai university
m.h.ebrahimi@at.ac.ir

Qasem Bolo

Associate Professor of accounting, Faculty of management and accounting . Allameh Tabatabai University
ghblue20@yahoo.com

Vahid Eftekhari

PhD Candidate in Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
vahid.eftekhari.90@gmail.com

Abstract

The purpose of this study is to investigate the effect of changing the pattern of financial statements on the judgment and decision of investors using a quasi-experimental approach. The research hypotheses are based on the theory of cognitive burden and it is expected that changing the pattern of financial statement information by reducing cognitive effort can affect the judgment and decision of investors. To examine this issue, the pattern of financial statement information based on the joint study of the two International Accounting Standards Board and the American Financial Accounting Standards Board at the level of the three basic financial statements has changed and how participants answered research questions based on the new financial statements. It has been compared by the Tehran Stock Exchange and the auditing organization with the model proposed by these two boards. The test takers include people who have accounting and financial experience and have at least a bachelor's degree in accounting or various management orientations. Accordingly, 92 people were selected as the statistical sample of the research. Due to the non-normality of the research data, non-parametric Mann-Whitney test has used. The results of this test show that the cohesive pattern of financial statements has influenced the judgment and decision of investors by reducing cognitive effort.

Keyword: Judgment and decision making, cognitive effort, Cohesiveness pattern of financial statements